

اردبیل

اردبیل یکی از باستانی‌ترین و در عین حال از مهمترین شهرهای ایران است. نام این شهر در شاهنامه بیشتر از سایر شهرهای آذربایجان آمده و این موضوع نشان دهنده موقعیت مهم این شهر در ایران باستان می‌باشد^۱. بنا بر روایت شاهنامه در دوره کیانیان دژ بهمن در نزدیک اردبیل بوده و کیخسرو پس از فتح آن، آتشکده آذرگشسب را در آنجا برپا کرده است.

اردبیل در عهد ساسانیان و اوایل دوره اسلامی مرکز آذربایجان و در دوره خلفای عباسی یکی از مهمترین کانون‌های مقاومت ایران علیه اعراب گردید و در زمان تیموریان و صفویان نهضت تشیع و جنبش‌های سیاسی ایران از آنجا برخاست و به تشکیل حکومت صفویه منجر شد. این شهر که در دوره صفویان

۱- اسامی بعضی امکانه دیگری که در شاهنامه آمده بدین قرار است: الان دژ - آمل - اهواز - ارمنینه - اصطخر - اران - اردن - انطاکیه - بیستون بیورد - بغداد - بلخ - بستام - بامیان - بخارا - بدخشان - خوارزم - بردع برزند - خرم‌آباد - دماوند - دامغان - دیلم - ری - رودبار - ساری - سپاهان شام - شوشتر - شهر زور - شهر گور - شیراز - طوس - قندهار - قم - کابل کرمان - مکران - مرو - مداین - نیمروز.

زیارتگاه مردم و پناهگاه مجرمین بوده در دوره قاجاریه به تبعیدگاه سیاسی تبدیل گردید .

پیدایش شهر اردبیل

بسیاری از مؤلفان اسلامی، بنای شهر اردبیل را به فیروز، پادشاه ساسانی (۱۰۱۸ تا ۱۰۴۲ شاهنشاهی = ۴۵۹-۴۸۳ میلادی) نسبت داده و نوشته‌اند که شهر اردبیل بدستور این پادشاه که در سده یازدهم شاهنشاهی (پنجم میلادی) می‌زیست ساخته شده و از آن تاریخ این شهر به باذان پیروز^۲ یا پیروزآباد و بالاخره فیروزگرد نامیده شده است.^۳

فردوسی در شاهنامه بنای شهر اردبیل را به پیروز ساسانی نسبت میدهد^۴

یکی شارستان کرد پیروز رام خنیده بهرجای آرام و کام
دگر کرد باذان پیروز رام بفرمود کو را نهادند نام
که اکنونش خوانی همی اردبیل که قیصر بدو دارد از داد میل

بررسی و تحقیق نگارنده این سطور نشان میدهد که تاریخ بنای شهر اردبیل خیلی قدیمی تر از زمان فیروز ساسانی است زیرا که فیروز در سال ۱۰۱۸ شاهنشاهی (۴۵۹ میلادی) بسطنت رسیده و ۳۴ سال قبل از این تاریخ بهرام پنجم ملقب به بهرام گور در مقابل حمله هیاتله از راه اردبیل به آمل و گرگان و سپس به

۲- باذان یا آباذان همان باذان و آباذان است که در قدیم بصورت باذان و آباذان بکار میرفت .

۳- بنای دو شهر دیگر به پیروز نسبت داده شده شهرام پیروز در ناحیه ری و روشن پیروز در کرانه جنوب شرقی دریای خزر

۴- شاهنامه فردوسی ، تصحیح محمدعلی فروغی، چاپ جاویدان ، بدون تاریخ ص ۴۰۵

خراسان رفته و در آنجا خاقان هیاتله را کشته است . این موضوع در شاهنامه فردوسی نیز آمده است آنجا که گوید :

چه آگاهی آمد به بهرام شاه	که خاقان بمرو است و چندان سپاه
همیراند لشگر چو از کوه سیل	به آمل گذشت از ره اردبیل
ز آمل پیامد بگرگان کشید	همه درد ورنج بزرگان کشید
بدانسان پیامد بنزدیک مرو	نپرد بدانگونه پیران تذر و
چو خاقان آشفته بیدار شد	بدست خزروان گرفتار شد

(ص ۳۹۴)

بموجب سند معتبر دیگری قدمت شهر اردبیل به زمان اشکانیان میرسد . زیرا که نام اردبیل در داستان ویس و رامین که از آثار زمان اشکانیان میباشد آمده است .^۵

زهرشهری سپه‌داری و شاهی	زهرمرزی پیروی و ماهی
گزیده هرچه در ایران بزرگان	از آذربایگان وز، ری و گرگان
همیدون از خراسان و کهستان	زشیراز و صفاهان و دبستان
چو بهرام و رهام اردبیلی	گشسب دیلمی ، شاپور کیلی

در بعضی از منابع بنای این شهر به پادشاهان کیانی نسبت داده شده است که خلاصه آنها بقرار زیر میباشد .

صاحب روضة الصفا درباره پیدایش اردبیل به نقل از تاریخ جعفری مینویسد که اردبیل ، فلسطین ، بابل ، قومس و مکران از بناهای کیومرث پادشاه کیانی است .^۶

حمدالله مستوفی بنای اردبیل را به کیخسرو هشتمین پادشاه

۵- ویس و رامین، فخرالدین گرگانی به اهتمام محمد جعفر محجوب، ابن سینا،

۱۳۳۷ ص ۲۲

۶- میرخواند ، روضة الصفا، ۱۳۳۸ جلد اول ص ۴۹۷

کیانی نسبت داده می‌نویسد که اردبیل را کیخسرو بن سیاوش کیانی ساخت.^۷

در نامه پهلوی شهرستانهای ایران آمده که :

در کرانه آذربایگان شهرستان (پایگاه) گنجک را افراسیاب تورانی ساخت پایگاه آذربایگان را ایران گشسب، سپهدار آذربایگان ساخت ، در اینجا از دو پایتخت زمستانی و تابستانی شهریاران آذربایجان یاد گردیده که یکی از آنها گنجک بوده در نزدیکی تخت سلیمان کنونی که ساخته افراسیاب تورانی پنداشته شده و پایگاه زمستانی که از آن نام برده نشده بایستی اردبیل باشد که آن ساخته ایران گشسب، سپهدار آذربایگان شناخته شده است.^۸

در میان نام آبادیهائی که مسکن آریائیان ایران بوده است کهنه‌ترین ترکیب در منطقه اردبیل نیز دیده میشود و آن کلمه ایست که با پسوند «کث» ساخته شده است. در زبانهای قدیم ایران این کلمه بمعنی ساختمان و یا خانه و یا آبادی بوده است و ترکیب این کلمه در کلماتی مانند کدبانو و کدخدا آمده و کده در ترکیب کلماتی مانند آتشکده و بتکده و میکده و آذرکده باقی مانده است.

در قدیم ناحیه اردبیل آبادی بوده است بنام «کدج» که پیداست همان کلمه «کده» است.^۹ خود کلمه اردبیل يك کلمه اوستائی است زیرا که اردبیل یا آرتاویل از دو کلمه «آرتا» بمعنی مقدس و «ویل» بمعنی جایگاه تشکیل شده و بمعنی شهر یا مکان مقدس میباشد.^{۱۰} در حال حاضر در منطقه اردبیل اسامی و یله‌درق،

۷- نزهة القلوب ، بکوشش محمد دبیرسیاقتی ، سال ۱۳۳۶ ص ۹۲

۸- پورداد، یسنا، بخش دوم ، انجمن ایران شناسی ۱۳۳۷ ص ۱۲۹

۹- نفیسی سعید ، تاریخ اجتماعی ایران، مؤسسه تحقیقات اجتماعی سال

۱۳۴۲ ص ۱۰

۱۰- کلمه «ارد» در، اول اسامی اردشیر، اردوان، اردویراف و اردبیهشت آمده‌است و نیز بصورت مزید مقدمی در اسامی امکان اردستان و اردکان دیده میشود (لغت نامه دهخدا ص ۱۶۶۸)

بیله رود، دویل، شورابیل و در حوالی مشکین شهر شاه بیل و مویل و در حدود آستارا «لوندویل» دیده میشود. ۱۱

دلایل باستان شناسی نیز قدمت این شهر را تأیید میکند زیرا که آثار و اشیائی متعلق به قرن ۱۶ تا ۱۲ قبل از میلاد در نمین^{۱۲} و سنگ نبشته اورارتوئی مربوط به سده نهم تا هفتم قبل از میلاد در قره داغ^{۱۳} نزدیک سراب و اردبیل پیدا شده است.

در اینجا این سؤال پیش میآید با این اوصاف چرا بنای این شهر به فیروز (۱۰۱۸ تا ۱۰۴۲ شاهنشاهی = ۴۵۹-۴۸۳ م) پادشاه ساسانی جد انوشیروان نسبت داده شده است.

باید گفت که در عهد اسکندر و جانشینان وی دوران پیدایش سریع شهرها در مشرق زمین بود. معمولاً شهر در محل خالی ساخته نمیشد بلکه قریه و نقطه مسکونی را مستحکم میکردند و حصار می کشیدند و در میان آن ساختمانهای دولتی و عمومی را میساختند بدین ترتیب وضع قریه از لحاظ حقوقی تغییر میکرد و به شهر مبدل و بنامی که بانی آن انتخاب میکرد نامیده میشد. ۱۴

در مورد پیروز ساسانی پادشاه ساسانی باید گفت که در قرن دهم تا دوازدهم شاهنشاهی (چهارم تا ششم میلادی) طوایف شمال

۱۱- ویل یا بیل در فارسی بتنهائی بکار نمیرود ولی در آخر و اول کلمات آمده معنی جایگاه را میدهد ویلا Villa در لاتین خانه روستائی است که Village فرانسه و همچنین Ville فرانسه از آن کلمه است و این با معنی جایگاه که ما برای ویل در آخر نامهای آبادی می پنداریم همینگونه تناسب را دارند (کسروی، احمد، آذری یا زبان آذربایگان - ص ۵۳)

۱۲- مشکور، جواد، نظری به تاریخ آذربایجان، انجمن آثار ملی ۱۳۴۹ ص ۶۷

۱۳- مشکور، جواد، دوسنگ نبشته اورارتوئی از آذربایجان، مجله راهنمای

کتاب، سال ۱۳۴۵ شماره ۶

۱۴- تاریخ ایران، تألیف پنج نفر از ایران شناسان شوروی ترجمه کریم

کشاورز جلد اول ص ۴۶

بنام «هون» هر چند وقت یکبار خاک ایران را مورد حمله قرار میدادند در زمان سلطنت فیروز (۱۰۱۸ تا ۱۰۴۲ شاهنشاهی = ۴۵۹ تا ۴۸۳ میلادی) جنگهای این پادشاه با طوایف «هون» طولانی شد.

شهر اردبیل در این زمان بعلت نزدیکی به قفقاز و گرجستان و ارمنستان از موقعیت مهمی برخوردار بوده تصور می‌رود در آن عهد نیز مثل زمان جنگهای ایران و روس در عهد قاجاریه، اردبیل مرکز استقرار نیرو و ستاد عملیات سپاه ایران علیه طوایف شمال بوده است.

در زمان این پادشاه، اردبیل که بر اثر حمله طوایف شمال خراب بوده آباد شده و برج و بارو دور آن ساخته شده است و از این تاریخ بنای شهر به فیروز ساسانی نسبت داده شده و بنام باذان پیروز معروف شده است.^{۱۵}

چنانکه مورخان از وقتی تهران را شهر خواندند که گرداگرد آن بارو و در درون آن ارك ساخته شد. مؤلف هفت اقلیم در این باره می‌نویسد: «تهران از زمان فرمانفرمائی شاه طهماسب صفوی به زینت باروی اسواق مجلل گردیده است شهریت پذیرفت^{۱۶}

اردبیل و عهد گیانیان

در مأخذ کهن بنای شهر اردبیل^{۱۷} مثل بسیاری از شهرهای

۱۵- تغییر نام شهرها در عصر حاضر نیز معمول است شهرهای رضائیه، بندرپهلوی، شهرضا، شاهپور، شاه‌آباد غرب، شمسوار، شاهی، بندرشاهپور و شهداد و پهلوی دژ از جمله مناطقی است که در ۵۰ سال اخیر تغییر نام داده‌اند.

۱۶- خسروی، خسرو مجله سخن دوره ۱۲ شماره ۳ ص ۲۷۹

۱۷- نام اردبیل در کتابهای قدیم بصورت آرتاویل، اردویل، آردبیل آمده است فردوسی در شاهنامه تلفظ آنرا گاهی بفتح الف و گاه بکسر آن بکار میبرد.

قدیمی ایران به شاهان کیانی نسبت داده شده و طبق روایت این دسته از مورخین شهر اردبیل بنا شده کیخسرو پسر سیاوش و نوه کیکاوس است و داستان آن چنین است که چون در پایان پادشاهی کیکاوس شوربختی ایران را فراگرفته بود ایرانیان در پی چاره بودند طوس خواست فریبرز پسر کیکاوس جانشین پدر گردد نه نوه وی کیخسرو که مادرش تورانی است اما همه سران و یلان ایران در برگزیدن وی به پادشاهی با همدیگر موافق نبودند پس از گفتگوها و پرخاشها بر آن شدند که فریبرز و کیخسرو را بیازمایند و بگشودن دژ اردبیل بفرستند و هرکدام که به گرفتن آن دژ که دژ بهمن نام داشت و نشستگاه اهریمن بود کامیاب شود و آتش جنگی را که هر سال در مرز اردبیل میان آتش پرستان درگیر بود خاموش کند پادشاهی او را باشد. ۱۸

این داستان در شاهنامه فردوسی در داستان سیاوش آمده آنجا که طوس و گودرز نزد کیکاوس شاه در باره فریبرز و کیخسرو سخن میگویند. ۱۹

دو فرزند ما را کنون با دوخیل
بمیزی که آنجا دژ بهمن است
بباید شدن تا در اردبیل
همه ساله پرخاش اهریمن است

نام این شهر در منابع ارمی بصورت‌های ارتفیت، اردویت، اردوید ذکر شده است. قاموس الاعلام تلفظ آنرا با کسر الف و دال ضبط کرده است. اردبیل به نامهای زیر نیز خوانده شده است.

بادان پیروز - فیروزآباد - پیروزرام - (شاهنامه) باذان فیروز (معجم البلدان) فیروزگرد (برهان و سروری) اربل (اولیاریوس) آذربهمن (مرآت البلدان) اندرآباد (حمداله مستوفی) همین نویسنده نام رودخانه بالیخلورا نیز اندرآباد ضبط نموده است.

۱۸- پورداود. یسنا. بخش دوم ص ۱۵۰

۱۹- شاهنامه فردوسی چاپ تهران ص ۱۳۸

پرنجست ز اهریمن آتشپرست نیارد بدان مرز موید نشست
 از ایشان یکی کان بگیرد بتیغ ندارم از او تخت شاهی دریغ
 نخست فریبرز با پشتیبانی طوس و سپاهیان خود بدان
 سوی روی آورد و به آن دست نیافت زیرا :

چونزدیکی حصن بهمین رسید زمین همچو آتش همی بردمید
 زمین سربسگفتی از آتش است هوا دام اهریمن سرکش است
 بگشتند يك هفته گرد اندرش بدیده ندیدند جای درش
 سر باره دژ بد اندر هوا ندیدند جنگ هوا را روا
 بناچار پس از یک هفته تلاش بی نتیجه نومید از آنجا بازگشتند.
 پس از آن کیخسرو با گیو و گودرز و سپاهیان خود باردیبل شتافت
 (ص ۱۳۹).

این داستان در شاهنامه فردوسی چنین آمده :

بشد تا دژ بهمین آزاد شاه خود و گیو و گودرز و چندین سپاه
 گر این دژ برو بوم اهریمنست جهان آفرین را بدل دشمن است
 بفرمان یزدان کنم دژ تهی که اینست پیمان شاهنشاهی
 به پیکان بسی شد زدیوان هلاک بسی ز اهریمن او فتاده به خاک
 در دژ پدید آمد آن جایگاه فرود آمد آن گرد لشگر پناه
 یکی شهر دید انداران دژ فراخ پراز باغ و میدان و ایوان و کاخ
 درازا و پهنای آن ده کمند بگرد اندرش طاقهای بلند

کیخسرو دژ بهمین را که شهر آبادی بود گرفت و آنرا خراب
 کرد و فروغی را که بیال اسب وی برای راهنمایی نشسته بود در
 همان شهر فرو نهاد و آتشکده آذرگشسب را در آنجا برپا ساخت
 که ساختمان با شکوهی بود . ۲۰

۲۰- بین روایت متون پهلوی و شاهنامه فردوسی در محل و مکان ویران کردن

بفرمود خسرو در آن جایگاه یکی گنبدی تا به ابر سیاه
 درازا و پهنای آن ده کمند بگرد اندرش کاخهای بلند
 ز بیرون چونیم از تنگ تازی اسب برآورد و بنهاد آذرگشسب
 بگشتند گرد اندرش بخردان ستاره شناسان و هم موبدان

کیخسرو پس از یکسال درنگ در آنجا به نزد پدر بزرگ
 خود کیکاوس برگشت و بشاهی برگزیده شد در این مورد در منابع
 اسلامی چنین آمده که کیخسرو پس از فتح دژ بهمن ، به افتخار
 این پیروزی اردبیل را احداث کرد .

در عهد کیانیان اردبیل و بردع از موقعیت مهمی برخوردار
 بودند و منطقه واحدی را تشکیل میدادند و در میان شهرهای
 آذربایجان مقام ممتازی داشتند . در این دوره از تاریخ سپاهیان
 بردع و اردبیل جز لشگریان گودرز بودند و در سمت چپ لشگر
 او خدمت میکردند .

بتکده بددینان و ساختن آتشکده آذرگشسب بجای آن اختلاف وجود دارد متون
 پهلوی محل این واقعه را کنار دریاچه چیچیست (رضائیه فعلی) نام میبرد ولی
 شاهنامه فردوسی محل آنرا در کوه سبلان نزدیک اردبیل ذکر میکند. در بعضی
 از منابع ، مکان این حادثه را کوه کوشید (که بین عراق و فارس قرار دارد) ضبط
 کرده اند و نوشته اند که در زمان کیخسرو ازدهانی بسیار بزرگ در این کوه پدید
 آمد و مردم از بیم و وحشت آبادیها را گذاشتند و رفتند. کیخسرو فرستاد آن
 ازدها را کشتند و بر آن کوه آتشگاهی بنام آتشکده کوشید بناکرد (گریستن سن
 با روایت اخیر موافق نیست و آتشکده کوشید را تفسیر صورت یافته از آتشکده
 گشسب میدانند) در این باره رجوع شود به کتاب کیانیان ترجمه ذبیح اله صفا ص
 ۱۶۷ و حماسه سرانی در ایران تألیف ذبیح اله صفا چاپ سوم سال ۱۳۵۳ ص
 ۵۵۳ و تاریخ اجتماعی ایران در دوران پیش از تاریخ و آغاز تاریخ تألیف سعید
 نفیسی سال ۱۳۴۲ ص ۱۶۷

فردوسی در شاهنامه در داستان بیژن و منیژه از این موضوع چنین یاد میکند . ۲۱

سپهدار گودرز کشواد بود
 بزرگان که از بردع و اردبیل
 هجیرو چوشیدوش و فرهاد بود
 سپهدار گودرز را خواستند
 به پیش جهاندار (کیخسرو) بودندخیل
 چپ لشگرش را بیاراستند
 در جنگ کیخسرو با افراسیاب سپاهیان بردع و اردبیل جزء
 لشگر گستم بودند . ۲۲

جهاندار کیخسرو آن خوار داشت
 سپاهی که از بردع و اردبیل
 خرد را به اندیشه سالار داشت
 بیامد بفرمود تا خیل خیل
 بیایند و بر پیش او بگذرند
 رد و موبد و مرزبان بشمرند
 برفتند سالارشان گستم
 که در جنگ شیران نبودی دژم
 وجود سپاهیان اردبیل در داخل لشگریان گودرز و گستم
 در زمان کیخسرو روشنگر آنست که قبل از کیانیان نیز همین
 کیفیت کمابیش در اردبیل حکمفرما بوده و بدنبال آن در دوره
 کیانیان سپاهیان اردبیل و بردع از طریق شرکت در لشگریان
 گودرز و گستم به هشتمین پادشاه کیانی یعنی کیخسرو خدمت
 کرده اند .

نکته دیگری که باید به آن اشاره شود اینست که در ایران
 باستان کوه قفقاز را که همان کوه قاف یا کوه قبق باشد آخر دنیا
 میدانستند زیرا که کوههای بلند و دشوار قفقاز سد بزرگی در
 برابر مهاجران آن زمان بوده بهمین جهت یکی از آخرین نواحی
 که در زمان کاووس بدست کیخسرو تصرف شده دژ بهمن نزدیک
 اردبیل بوده است .

۲۱ و ۲۲- شاهنامه فردوسی چاپ مسکو ۱۹۶۷ جلد پنجم ص ۲۴۴ و ۲۸۹
 و خطابه آقای دکتر امین پاشا اهلالی در ششمین کنگره تحقیقات ایرانی در دانشگاه
 آذربادگان تحت عنوان آذربادگان در شاهنامه .

اردبیل در دوره قبل از اسلام

آتروپاتن پیش از تأسیس دولت ماد، حتی تا یک قرن بعد از آن، مرکز اقتصادی و فرهنگی حکومت پادشاهی به شمار میرفت و این ناحیه از دیگر نواحی از لحاظ اقتصادی پررونق تر بود و در آن بارورترین کشتزارها و تاکستانها و بیشه ها وجود داشت. ۲۳

تا اواخر قرن هفتم پیش از میلاد، مادها در آذربایجان قدرت زیادی نداشتند چون حکومت آن ناحیه بیشتر در دست اقوام لولوبی، ماننایی، اورارتو و سکایی بود. از سال ۶۱۲ پیش از میلاد، مادها پس از شکست آشور قدرت خود را بر تمام ایران بویژه آذربایجان تا ماورای ارس بسط دادند. ۲۴

آثار و اشیاء کشف شده مربوط به قرن شانزده تا دوازده پیش از میلاد در نمین (سه فرسخی اردبیل) و سنگ نبشته اورارتوئی مربوط به سده نهم تا هفتم پیش از میلاد در قره داغ (از دامنه های کوه سبلان نزدیک سراب و اردبیل) نشانگر تمدنی است که در این دوره از تاریخ در منطقه اردبیل وجود داشته است.

در قرن ششم پیش از میلاد زردشت (۵۲۲ - ۴۸۵ پیش از میلاد) پیامبر بزرگ ایران ظهور کرده و بنا بر روایت اوستا کتاب خود را در بالای کوه سبلان نوشته است.

شهرستانی در کتاب الملل و النحل از تولید روح زرتشت در کوهی از آذربایجان یاد میکند و مینویسد:

روح زرتشت در شجره یی که در اعلی علین بود انشا فرمود و در قله کوهی از کوه های آذربایجان آن درخت را غرس فرمود. زکریابن محمد قزوینی در کتاب آثار البلاد و اخبار العباد در این

۲۳- دیاکونوف، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز ص ۳۹۷

۲۴- مشکور، جواد نظری به تاریخ آذربایجان ص ۹۹

بازه مینویسد: «زردشت از شیز آذربایجان بود و چندی از مردم کناره گرفت و در کوه سبلان بسر برد کتابی آورد نامزد به یسنا»^{۲۵}
میر خواند از زرتشت چنین یاد میکند:

زرتشت چون بزرگ شد به جبلی از جبال اردبیل بالا رفت و از آنجا فرود آمد و کتابی در دست میگفت که این کتاب از سقف خانه که بر این کوه واقع است نازل شد.^{۲۶}

در دوره هخامنشیان آذربایجان جزء خستره (ساتراپی) ماد بشمار میرفت ماد بزرگ (عراق و کردستان) و ماد کوچک (آذربایجان) يك خستره پوآن (ساتراپ) داشت.

در دوره اشکانیان، ماد آتورپاتن (آذربایجان) هنوز دولتی نیم مستقل بوده در این زمان اردبیل در بین شهرهای آذربایجان ممتاز بوده و قهرمان آذربایجان بنام رهام که از پهلوانان موبد و از نژاد کیان بوده در این دوره از تاریخ از اردبیل برخاسته است.^{۲۷} در دوره ساسانیان (۲۱۱-۶۴۲ میلادی) آذربایجان دو کرسی داشت اردبیل و کنزک^{۲۸} ولی از اواسط تا اواخر ساسانیان اردبیل به تنهایی کرسی آذربایجان بود و اعراب در فتح آذربایجان متوجه پایتخت آن اردبیل شدند.

از اختصاصات این دوره از تاریخ، حملات طوایف «هون» بود که از قرن چهارم تا ششم میلادی هر چند وقت یکبار خاک ایران را مورد حمله قرار میدادند در یکی از این حملات بهرام پنجم

۲۵- نقل از کتاب یسنا تألیف شادروان بورداود بخش دوم ص ۱۶۱

۲۶- روضة الصفا، چاپ خیام سال ۱۳۳۸ جلد اول ص ۶۰۲

۲۷- ویس و رامین پیشین ص ۲۲

۲۸- کنزک همان شهر شیز است و تخت سلیمان امروزی در نزدیک تکاب.